

ماهنامه اقتصادی و مالی بین الملل

# اقتصاد ایران

Iran Economics

سال چهاردهم - شماره ۱۴۷ - اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۰,۰۰۰ ریال

Vol. XIV - No. 147 - May, 2011 - IRR 20,000

توسعه معطوف به انصاف از نگاه دکتر رنانی

صفحه ۱۴

تقابل ایران و عربستان در بحرین از نگاه STRATFOR

صفحه ۱۳

گزارش ویژه جهاد اقتصادی و پیشنهادات «اقتصاد ایران»

صفحات ۳۱ و ۳۲

ضمیمه: قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی

و منابع طبیعی

## تارنفت، پودکالا! چالش‌های صادرات غیرنفتی



**تار نفت، پود کالا**

با گذشت بیش از یک قرن از اکتشاف نفت در کشور، هنوز نتوانسته‌ایم از آن در جهت ایجاد ارزش افزوده و خلق ثروت استفاده کنیم. خام فروشی نفت علاوه بر ایجاد مشکلاتی مانند وابستگی‌های بودجه‌ای به درآمدهای نفتی، پتانسیل‌های موجود را در عرصه‌های تولید مزیتی و صادرات غیرنفتی پنهان کرده که این معضل، به ساختار مدیریت صنعتی، کشاورزی، پولی، ارزی و خورد و کلان ما برمی‌گردد.

صفحات ۱۱ و ۳۰ - ۳۳



**بسته ۷ محوری بورس**

راهکارهای زیر برای کاهش اثرات هدفمندی بر بازار سرمایه پیشنهاد می‌شوند: (۱) اعمال قیمت‌های ترجیحی، (۲) پرداخت کمک‌های بلاعوض، یارانه سود تسهیلات و وجوه اداره شده، (۳) جبران زیان ناشی از قیمت‌های تکلیفی، (۴) نوسازی و بهسازی شرکت‌های پذیرفته شده و در حال پذیرش، (۵) اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخل، (۶) دسترسی آسان به منابع بانکی و (۷) جوایز صادراتی.

صفحه ۱۲



**حباب یا واقعیت؟**

بازار سهام در کشور ما در شرایطی روند رو به رشدی را تجربه می‌کند که رکود بازار مسکن، صنایع و خدمات وابسته به آن همچنان ادامه دارد و وضعیت صنایع بزرگ هم در مقابل شوک ناشی از هدفمندی یارانه‌ها نامعلوم است. در چنین شرایطی، سؤال اصلی آن است که آیا رشد بالای شاخص بورس و سهام اکثر شرکت‌های بورسی در کشور ناشی از واقعیت‌های اقتصادی است؟

صفحه ۸۶

**۳۰ بسته گریان!**

قدرت رو به افول خشکبار ایران

**گزارش ویژه: "جهاد اقتصادی"**

**۳۱ جهاد اقتصادی با کار مضاعف**

تحلیل موضوعی جهاد اقتصادی و نگاه مسؤلان

**۳۲ مشت‌های خروار**

معضلات اقتصادی کشور و راهکارهای جهادی «اقتصاد ایران»

**۳۲ درد و درمان**

الزامات جهاد اقتصادی از نگاه «اقتصاد ایران»

**اقتصاد سیاسی ایران**

**۳۳ قمر در عقرب**

چالش‌های نظام بانکی از نگاه آقای آیت‌الله تجلی

**۳۴ جنگ تجاری برای بقا**

مصاحبه با آقای رحیم صادقیان، رئیس اتاق ایران و ترکیه

**۳۹ سهم ما از سفره اکو**

مصاحبه ماهنامه با دکتر شهابی، عضو هیأت چشم‌انداز ماهنامه

**۴۰ طرحی نو**

هدفمندی اشتغال و بررسی توانایی‌های اشتغالزایی در کشور

**۴۱ شریک نوظهور**

مصاحبه اختصاصی با سفیر جمهوری کوبا در ایران

**۴۲ مهندسی پیشرو**

خدمات فنی و مهندسی از کانال بانک توسعه صادرات

**۴۳ عبور از جاده مه آلود**

ارزیابی سفیر سابق ایران در مکزیک، از سیاست‌های یارانه‌ای

**۴۴ جاذبه و دافعه**

چالش‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور

**۴۵ آن سوی بَن‌بست**

ارزیابی آقای محمد صادق جنان صفت از چالش‌های قیمتی

**راهبرد صنعت در جهاد اقتصادی**

**۴۶ "صنعت خوب درخشید"**

مصاحبه با رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

**۴۷ خط مقدم**

درد دل مشترک همه صنعت‌گران داخلی

**ایران در یک نگاه**

**۹ تحولات اقتصادی**

**۱۰ تحولات سیاسی و اجتماعی**

**نگاه اول**

**۱۱ تار نفت، پود کالا**

گذار از اقتصاد نفتی به توسعه صادرات غیرنفتی

**۱۲ بسته ۷ محوری**

راهکارهای دکتر قالیباف اصل در مورد بورس

**۱۳ به کام ایران**

تقابل ایران و عربستان از نگاه مؤسسه STRATFOR

**۱۴ توسعه معطوف به انصاف**

ارزیابی دکتر محسن رنانی از سیاست‌های عدالت‌گرایانه

**۱۹ راه و چاه**

پیش‌بینی وضعیت اقتصاد کشور از نگاه دکتر علی رشیدی

**۲۰ ریال شناور**

دیدگاه دکتر نیکو اقبال نسبت به لزوم مدیریت ارزی

**محفل «اقتصاد ایران»**

**۲۱ درد دل خوانندگان**

**تار نفت، پود کالا**

**۲۳ رها از نفت**

راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی کشور

**۲۴ نام نیک و بازار تاریک**

صنعت فرش ایران در شرف نابودی

**۲۵ گلوگاه‌های تنگ صادرات**

مصاحبه با رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرش ایران

**۲۶ حلزون توسعه**

تنگناهای توسعه صادرات غیرنفتی در کشور

**۲۷ غول قیمت**

ضرورت کاهش قیمت تمام‌شده از نگاه مهندس وحید کیانی

**۲۸ شعشعه طلای سرخ**

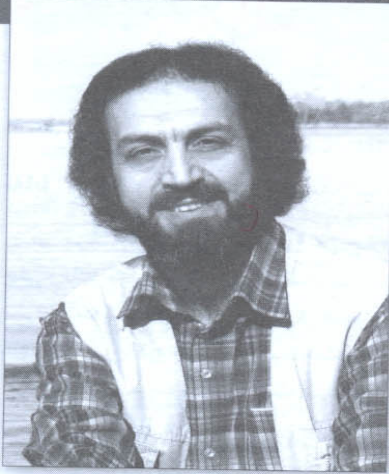
مشکلات صادرکنندگان زعفران

**۲۹ تعرفه کمرشکن**

مصاحبه «اقتصاد ایران» با رئیس اتحادیه صادرکنندگان زعفران

اثرات متقابل عدالت و توسعه اقتصادی

## توسعه معطوف به انصاف



ارزیابی دکتر محسن رنایی، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، از سیاست‌های عدالت‌گرایانه دولت‌ها

## توسعه از مسیر عدالت

اکنون با همین معیار می‌توان رابطه انواع سیاست‌های عدالت‌گرایانه را با توسعه دریافت. نخست به طور مختصر ببینیم توسعه چیست و چگونه ممکن

می‌شود؟ توسعه به معنای آن است که ما، هم بتوانیم انواع سرمایه‌های مادی، انسانی و اقتصادی را به سوی جامعه خود جلب کنیم و هم قادر باشیم این سرمایه‌ها را به گونه‌ای با هم ترکیب کنیم که رشد مادی، معنوی و اجتماعی ایجاد شود. برای آن که این تلفیق بین سرمایه‌های انسانی و اقتصادی شکل بگیرد، ما نیازمند وجود بستر یا میدان مناسب برای بازی‌های اقتصادی و اجتماعی هستیم. این بستر به وسیله سرمایه اجتماعی (Social Capital) شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه هنجارها، ارزش‌ها، باورها، عادت‌های رفتاری و قواعد حاکم بر مناسبات اجتماعی افراد یک جامعه که باعث می‌شود رفتارها در آن جامعه باثبات و قابل پیش‌بینی شوند و بنابراین افق آینده، روشن باشد و در نهایت برنامه ریزی امکان‌پذیر شود. شاخص‌های وجود سرمایه اجتماعی در یک جامعه نیز در اعتماد، همکاری، همیاری، مشارکت، نوع دوستی، صداقت، قانون‌گرایی، امید به آینده، خوش‌بینی و نظایر اینها منعکس می‌شوند.

## قاعده انصاف

برای این که سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بهتر شکل بگیرد، ما باید به سمت اجرای بیشتر و بهتر قاعده انصاف برویم. هر چه در جامعه‌ای مناسبات منصفانه‌تر باشند، اعتماد، مشارکت، همیاری و سایر ارزش‌هایی از این دست زودتر و بهتر شکل می‌گیرند. بنابراین تلفیق مؤثر سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی در جهت تولید ثروت بیشتر، مشروط است

آیا سیاست‌گذاران در سیاست‌هایشان صادق‌اند و منافع بلند مدت جمعی را ملاحظه می‌کنند؟ یکی از معیارهایی که ما را در یافتن پاسخ این سؤال یاری می‌کند این است که ببینیم آیا سیاست‌گذاران در رفتارهایشان و در قواعدی که به تصویب می‌رسانند به طرف مساوات می‌روند و سیاست‌های مساوات‌طلبانه اعمال می‌کنند یا سیاست‌های عادلانه و منصفانه؟ اگر بیشتر سیاست‌های آنها مساوات‌طلبانه باشد، باید دریابیم که آنان بیشتر در جهت جلب توده‌ها حرکت می‌کنند، نه در جهت منافع ملی.

خیلی ساده، از دسته بندی سیاست‌های سیاست‌گذاران به سیاست‌های مساوات‌طلبانه، عدالت‌طلبانه و یا منصفانه می‌توان فهمید که یک سیاست‌گذار تا چه حد به منافع بلند مدت یک ملت و منافع نسل‌های آتی پایبند است و تا چه حد در پی جلب نظر توده‌ها است.

## عدالت چیست؟ انصاف چیست؟

در یک تقسیم بندی کلی، عدالت به سه مفهوم مساوات، عدالت و انصاف قابل تفکیک است. مساوات یا برابری به این معنی است که در مسأله موضوع تصمیم ما، با همه افراد یکسان برخورد شود. به طور مختصر و مفید، برخورد یکسان با افراد در موقعیت‌های یکسان یا غیریکسان، مساوات تلقی می‌شود. عدالت نیز اعم از عدالت افقی و عمودی است که در نوع عدالت عمودی، برخورد نابرابر، اما متناسب با افراد در موقعیت‌های نابرابر صورت می‌گیرد. در نهایت، انصاف عبارت است از برخورد با افراد، با ملاحظه وضعیت موردی و شخصی آنها. یعنی ما، یا هنگامی که می‌خواهیم عدالت را در مورد افراد اجرا کنیم ملاحظه وضعیت فردی آنها را می‌کنیم، یا آن هنگام که می‌خواهیم قاعده‌ای را وضع کنیم، آن قاعده را با ملاحظه وضعیت کسانی که در شرایط ضعیف‌تری قرار دارند وضع می‌کنیم.

و چنین کاری در حکم اجرای قاعده انصاف است. بی‌جهت نیست که اکنون در کشورهای توسعه یافته شاهد رشد شدید قوانینی در حمایت از مهاجرین، سرمایه‌گذاران خارجی، اقلیت‌های مذهبی و قومی و نظایر اینها هستیم. این قوانین، مطابق قاعده انصاف تصویب شده‌اند و باعث می‌شوند گروه‌های اقلیت بیشتری به زندگی، حضور و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی این جوامع پیدا کنند و این به معنی وجود جاذبه کافی برای شکل‌گیری جریان مستمری از جابه‌جایی نیروی انسانی، سرمایه، ایده‌های فکری و خلاقیت‌ها به سوی کشور مورد نظر است. توسعه چیزی نیست جز همین توانایی مستمر برای جذب، خلق و تکثیر نوآوری در اندیشه و فناوری.

بنابراین در عصر جهانی شدن و در عصر دولت پسامدرن، لازم است انصاف به قاعده مسلط در سیاست‌گذاری عمومی بدل شود تا بتواند به توسعه مستمر و پایدار بی‌انجامد. ■

به وجود میزان کافی از سرمایه اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی نیز در گرو جریان یافتن قواعد منصفانه در جامعه و در مناسبات میان افراد است. به عبارت دیگر، توسعه به "قاعده انصاف" گره خورده است. یعنی در دنیای پسامدرن، جامعه‌ای با سرعت کافی به سوی توسعه حرکت می‌کند که سیاست‌های عمومی‌اش به گونه‌ای گسترده معطوف به انصاف باشند. باید گفت به ویژه در عصر جهانی شدن که ما شاهد جابه‌جایی مستمر کالا، خدمات، اطلاعات، سرمایه، نیروی انسانی و فناوری هستیم، قاعده انصاف کاربرد جدی‌تری می‌یابد. به عنوان مثال، کشوری که توانایی جذب مداوم مغزها و سرمایه‌ها را از کشورهای دیگر دارد، با سرعت بیشتری می‌تواند به سوی توسعه حرکت کند، اما دقت کنیم که نیروی انسانی که به کشور دیگری مهاجرت می‌کند، همواره در اقلیت به سر می‌برد و ممکن است از سوی اکثریت، تحت فشار قرار گیرد. اگر کشوری می‌خواهد جریان مستمر نیروی انسانی متخصص را به سوی خود داشته باشد، لازم است از این نیروهای مهاجر حمایت ویژه کند